

افاده ایدرگاه الصاق ایچون کلور مثلاً بیت عاشق که شد که بار بحال نظر  
 نکرده ای خواجه در دست و کوه نه طیب هست و گاه مصاحب است  
 ایچون کلور عریضه با مع معناسنه کلدو کی کی مثلاً بیت بهست نیست  
 مرغیان ضمیر و دلخوش داره که نیستی است سرانجام هر حال هست  
 بیال وین مروازر که تیر بر تایی هوا گرفت زمانی بخاک نشست  
 و گاه قسم معناسنه کلور مثلاً بیت بخدا بی که دار جان و خرد بی تو  
 دل خلدار بجز خرد و گاه ظرفیت ایچون کلور افاده ایدر بیت کس  
 بدور نر کست طرفی نیست از غایت که نفر و شنید مستوری همستا  
 شما و گاه زیاده اولور مجرد محسین لفظ ایچون که اولسه معنایه مخل وین  
 بیت بطلب یافت نشان از لب شیرین فرهاد ره سوی لعل نبرد بجز  
 کوهکنان بدر یاد منافع بی شمار است داخی بوقیلار ندر یعنی دریا  
 باره که ظرفیتی در افاده ایدوب با زاید اولور اما فحش باه مکسور اوله  
 ادات تو تسل در که او ائیل مشتقاند انکله تو تسل اول نور پس علامه  
 اشتقاق اولور بدانت و بداند و بدانتند و زاید اولان با تا ک حرکت  
 مابعدنک حرکت تا بعد مابعد مضموم اولسه با داخی مضموم اوله  
 اگر مابعدی مفتوح اولسه مفتوح اولور اگر مابعدی مکسور اولسه  
 مکسور اولور وین با اصلا مفتوح اولور زیل الصاق و تعدیه و نظر

بیت

فیت و مصاحبت ایچون کلور باه فرقی آتمک ایچون زیل زاید مکسور وه  
 مضموم اولور اولسه داغما مفتوح اولور و بعضی ایدر کیم حرف باه مفا  
 رعین غیر سنه داخل اولسه تا کیدر ایچون اولور بشند و بگردن بدانتست  
**حرف التاء** لفظ تاء بر فاج معنایه کلور اوله تا عملیل ایچون کلور اولسه  
 تانز اینیم و انتها غایت ایچون کلور عریضه حتی کیم منلار فتم تا کجه و  
 دوام معناسنه داخی کلور مثلاً بیت نادرین کله کوه سفندی هست  
 نه نشین داخل ز قصابی و قات معناسنه داخی کلور مثلاً یک تا دونایه  
 قات ایکی قات معناسنه درو شرط ایچون داخی کلور مثلاً والله تا تونایی  
 من نیایم و تاه ساکن که کلرک آخر نه لاحق اولور علامت خطا در ارفع  
 بودر کیم ماقبله مفتوح اوله و گاه ضرور شعر ایچون ساکن قلدنور بیت  
 علت روز و شب خورست یقین چون گذشته نه انت ماند نه این  
 و اگر الفایله اولسه ایکی وجه جایز در ساکن و متحرک مثلاً بیت کرمکن  
 چون کمان تاب خیره می نیرنده چون تیر راست روی تاکه بال و پیر یایی  
 و گاه اولور کیم یایله اولور بیت چون باره شده عصای پیران عاصی  
 مشو مننه عصبان و یایرنه و او داخی کتور لر بونلرک هر بزند  
 بر فحش وجه جایز اولور که مفتوح اولور بیت کمان بر دست پیوسته  
 مار به تیر غرغ خوش میشو از دونه با ساکن اولور و غنمه مثال بیت